



# ویژگی‌های اقتصادی، اجتماعی و جمعیتی سالخوردگان

بر اساس اطلاعات سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۵

محمد شیری (مجری)

الهام رستمی



# فهرست مطالب

۱- کلیات	۱
۱-۱- مقدمه	۱
۲-۱- طرح مسئله	۲
۳-۱- اهمیت و ضرورت موضوع پژوهش	۳
۴-۱- اهداف تفصیلی طرح	۴
۵-۱- روش تحقیق	۴
۶-۱- تعاریف و مفاهیم	۵
۲- مبانی نظری و ادبیات پژوهشی	۱۱
۱-۲- مقدمه	۱۱
۲-۲- نظریات سطح کلان	۱۱
۱-۲-۲- نظریه گذار جمعیت	۱۲
۲-۲-۲- گذار ساختار سنی	۱۳
۳-۲-۲- سالخوردگی جمعیت و سود جمعیتی	۱۵
۳-۲- نظریات سطح خرد	۱۷
۱-۳-۲- نظریه عدم تعهد	۱۸
۲-۳-۲- نظریه فعالیت	۲۰
۳-۳-۲- نظریه محیط اجتماعی	۲۱
۴-۳-۲- نظریه تداوم یا پیوستگی یا استمرار	۲۱
۵-۳-۲- شاخص دیده‌بان سالخوردگی و سالخوردگی فعال	۲۲
۱-۵-۳-۲- شاخص دیده‌بان سالخوردگی	۲۳
۱-۱-۵-۳-۲- شیوه محاسبه شاخص دیده‌بان سالخوردگی	۲۴
۲-۵-۳-۲- شاخص سالخوردگی فعال	۲۵
۱-۲-۵-۳-۲- شیوه محاسبه شاخص سالخوردگی فعال	۲۷
۴-۲- ادبیات پژوهشی	۲۸

۳۹.....	۳- مطالعه ویژگی‌های اقتصادی و اجتماعی سالخوردگان
۳۹.....	۳-۱- مقدمه
۳۹.....	۳-۲- توزیع سنی و جنسی جمعیت سالخورده
۴۰.....	۳-۲-۱- سهم جمعیت سالخورده
۴۳.....	۳-۲-۲- میزان رشد سالانه جمعیت سالخورده
۴۵.....	۳-۲-۳- توزیع سنی سالخوردگی
۴۶.....	۳-۲-۴- نسبت جنسی سالخوردگی
۴۹.....	۳-۲-۵- نسبت وابستگی سالخوردگی
۵۱.....	۳-۳- ساختار فعالیت اقتصادی سالخوردگی
۵۴.....	۳-۴- وضعیت زناشویی سالمندان
۵۶.....	۳-۵- ساختار خانوار سالخوردگان
۶۰.....	۳-۶- ساختار سواد و تحصیلات سالخوردگان
۶۴.....	۳-۷- امید زندگی سالخوردگی
۶۴.....	۳-۸- آینده‌نگری جمعیت سالخورده
۷۱.....	۴- نتیجه‌گیری
۷۷.....	مرجع‌ها

# فهرست جداول

- جدول ۳-۱- توزیع سهم جمعیت سالخورده به تفکیک جنس و خواستگاه سکونتی و استان-۱۳۹۵ ..... ۴۱
- جدول ۳-۲- میزان رشد سالانه جمعیت سالخورده طی دوره ۱۳۹۵-۱۳۹۰ به تفکیک خاستگاه سکونتی و استان ..... ۴۳
- جدول ۳-۳- توزیع سنی جمعیت سالخورده و نسبت جنسی جمعیت به تفکیک گروه‌های سنی و خواستگاه سکونتی ..... ۴۶
- جدول ۳-۴- نسبت جنسی سالخوردگی به تفکیک خاستگاه سکونتی و استان‌ها ..... ۴۸
- جدول ۳-۵- نسبت وابستگی سالخوردگی به تفکیک خاستگاه سکونتی و استان‌ها ..... ۵۰
- جدول ۳-۶- نرخ مشارکت اقتصادی سالخوردگان به تفکیک خاستگاه سکونتی، جنس و استان ..... ۵۳
- جدول ۳-۷- وضعیت زناشویی سالخوردگان به تفکیک خاستگاه سکونتی و جنس ..... ۵۴
- جدول ۳-۸- وضعیت زناشویی سالخوردگان به تفکیک خاستگاه سکونتی و جنس ..... ۵۶
- جدول ۳-۹- ساختار خانوار سالخوردگان به تفکیک جنس و استان ..... ۵۹
- جدول ۳-۱۰- میزان باسوادی سالخوردگان به تفکیک جنس و خواستگاه سکونتی ..... ۶۰
- جدول ۳-۱۱- سطح تحصیلات سالخوردگان به تفکیک جنس و خواستگاه سکونتی ..... ۶۰
- جدول ۳-۱۲- میزان باسوادی و سطح تحصیلات سالخوردگان باسواد به تفکیک جنس و استان ..... ۶۳
- جدول ۳-۱۳- امید زندگی سالخوردگی به تفکیک خاستگاه سکونتی ..... ۶۴
- جدول ۳-۱۴- مدل کار سازمان ملل از بهبود امید زندگی در طول یک دوره پنج‌ساله ..... ۶۵
- جدول ۳-۱۵- پیش‌بینی سهم جمعیت سالخورده به تفکیک استان (هزار نفر) ..... ۶۶
- جدول ۳-۱۶- پیش‌بینی سهم جمعیت سالخورده به تفکیک استان ..... ۶۸

# فهرست شکل‌ها

- شکل ۱-۲: چرخه زندگی اقتصادی آسیایی..... ۱۷
- شکل ۲-۲: مؤلفه‌ها و شاخص‌های دیده‌بان سالخوردگی..... ۲۴
- شکل ۳-۲: مؤلفه‌ها و شاخص‌های سالخوردگی فعال..... ۲۶
- شکل ۱-۳: روند تغییرات سهم جمعیت سالخورده..... ۴۰
- شکل ۲-۳: درصد جمعیت زنان سالخورده در سال ۱۳۹۵ به تفکیک استان..... ۴۲
- شکل ۳-۳: درصد جمعیت مردان سالخورده در سال ۱۳۹۵ به تفکیک استان..... ۴۲
- شکل ۴-۳: میزان رشد سالانه جمعیت سالخورده شهری طی دوره ۱۳۹۰-۱۳۹۵ به تفکیک استان..... ۴۴
- شکل ۵-۳: میزان رشد سالانه جمعیت سالخورده روستایی طی دوره ۱۳۹۰-۱۳۹۵ به تفکیک استان..... ۴۴
- شکل ۶-۳: نسبت جنسی سالخوردگی مناطق شهری..... ۴۷
- شکل ۷-۳: نسبت جنسی سالخوردگی مناطق روستایی..... ۴۷
- شکل ۸-۳: نسبت وابستگی سالخوردگی مناطق شهری..... ۴۹
- شکل ۹-۳: نسبت وابستگی سالخوردگی مناطق روستایی..... ۵۱
- شکل ۱۰-۳: نرخ مشارکت اقتصادی مردان سالخورده شهری..... ۵۲
- شکل ۱۱-۳: نرخ مشارکت اقتصادی زنان سالخورده شهری..... ۵۲
- شکل ۱۲-۳: نرخ مشارکت اقتصادی مردان سالخورده روستایی..... ۵۲
- شکل ۱۳-۳: نرخ مشارکت اقتصادی زنان سالخورده روستایی..... ۵۲
- شکل ۱۴-۳: وضع زناشویی سالخوردگان شهری به تفکیک جنس..... ۵۵
- شکل ۱۵-۳: وضع زناشویی سالخوردگان روستایی به تفکیک جنس..... ۵۵
- شکل ۱۶-۳: توزیع نسبی خانوارهای خویش سرپرست مرد سالخورده از کل خانوارهای خویش سرپرست مرد..... ۵۷
- شکل ۱۷-۳: توزیع نسبی خانوارهای خویش سرپرست زن سالخورده از کل خانوارهای خویش سرپرست زن..... ۵۸
- شکل ۱۸-۳: سطح تحصیلی سالخوردگان باسواد به تفکیک جنس و خاستگاه..... ۶۱
- شکل ۱۹-۳: توزیع نسبی سطح تحصیلات دانشگاهی سالخوردگان مرد به تفکیک استان‌ها..... ۶۲
- شکل ۲۰-۳: توزیع نسبی سطح تحصیلات دانشگاهی سالخوردگان زن به تفکیک استان‌ها..... ۶۲
- شکل ۲۱-۳: سهم جمعیت سالخورده (بالای ۶۵ سال) از کل جمعیت به تفکیک استان در سال ۱۴۱۵..... ۶۸
- شکل ۲۲-۳: میزان رشد سهم جمعیت سالخورده (بالای ۶۵ سال) طی دوره ۱۴۰۰-۱۴۱۵..... ۶۹

# کلیات

## ۱-۱- مقدمه

ایران همچون سایر کشورهای جهان در چند دهه اخیر تحولات بی‌سابقه‌ای را تجربه کرده است. در کنار کاهش مرگ‌ومیر، افزایش امید زندگی بدو تولد و به‌طورکلی گذار مرگ‌ومیر پس از سال‌های ۱۳۳۵ که با گذار تکنولوژی سلامت شتاب گرفت، تحولات باروری در قالب افزایش باروری در نتیجه تسلط دیدگاه‌های پروناتالیستی بعد از انقلاب اسلامی ایران و سپس کاهش باروری به سطح زیر جانشینی در طول سه دهه خود مهم‌ترین نشانه شگرف بودن تحولات جمعیتی در ایران است. تحولات مهاجرتی در قالب مهاجرت‌های روستا شهری و مهاجرت بین‌المللی (پناهندگان افغانی) در کنار باروری و مرگ‌ومیر بر اهمیت تحولات جمعیتی افزوده است. با این وجود، اغلب این تحقیقات بر مؤلفه‌های پویایی جمعیت تأکید داشته و به تحولات ساختار جمعیت که مهم‌ترین آن تحولات ساختار سنی است کمتر متمرکز شده‌اند. در کنار اهمیت مطالعه تحولات مؤلفه‌های پویایی جمعیت و تأثیر آن بر متغیرهای سطح کلان اقتصادی و اجتماعی، تمرکز بر نقش تعیین‌کننده تحولات ساختار سنی در بستر گذار ساختار سنی از اهمیت دوچندانی برخوردار است چراکه کانون تأثیر تحولات جمعیتی بر پیامدهای اقتصادی و اجتماعی را بایستی در تحولات ساختار سنی جستجو کرد. اهمیت مطالعه ساختار سنی علاوه بر مشخص نمودن فرصت‌ها و چالش‌های تحولات ساختار سنی، این امکان را برای برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران فراهم می‌سازد تا مدیریت کارآمد و منسجمی را در مواجهه با چالش‌های تحولات ساختار سنی و بهره‌برداری کافی و وافی از مزیت‌های تحولات ساختار سنی (سود جمعیتی) بکار گیرند. سالخوردگی جمعیت یکی از مهم‌ترین پیامدگذار ساختار سنی است. به عبارتی، با گذار جمعیت نسل بیش‌زایی موالید به سنین سالخوردگی ( بالای ۶۵ سال) سهم جمعیت سالخورده کشور به‌طور قابل توجهی افزایش می‌یابد که از آن تحت عنوان سالخوردگی جمعیت یاد می‌شود. افزایش سهم جمعیت سالخورده و سالخوردگی جمعیت به‌طورکلی پیامدهای اقتصادی، اجتماعی و جمعیتی در پی دارد که مواجهه با آن مستلزم توجه سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان اجتماعی و اقتصادی است. نتایج پیش‌بینی‌های جمعیتی نشان می‌دهد که فاز سالخوردگی جمعیت از ابتدای سال ۱۴۳۰ آغاز خواهد شد. در ابتدای این دوره، سهم جمعیت سالخورده از کل جمعیت کشور به حدود ۲۰ درصد افزایش می‌یابد. اغلب محققان جمعیتی و جامعه‌شناسان اذعان دارند

که با ورود ایران به فاز سالخوردگی جمعیت، کشور با پیامدهای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و علی‌الخصوص سلامت مواجه خواهد بود که نیازمند توجه سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان است. هدف اصلی این پژوهش شناخت ویژگی‌های جمعیتی، اقتصادی و اجتماعی سالخوردگان در سطح ملی و منطقه‌ای و آینده‌نگری سهم جمعیت سالخورده در سال‌های آتی با هدف ارائه زمینه‌های شناختی برای برنامه‌ریزی جهت مواجهه با پیامدهای سالخوردگی جمعیت است.

## ۱-۲- طرح مسئله

کشور ایران به تبع تجربه تحولات شگرف جمعیتی همواره با مسائل متعددی مواجه بوده است. همچنان که اشاره شد، اغلب محققان جمعیتی به تحولات مؤلفه‌های پویایی جمعیت و پیامدهایی که این تحولات می‌تواند در ابعاد اجتماعی، اقتصادی و سلامت داشته باشند تأکید داشته‌اند. اما نکته این است که بخش قابل توجهی از این پیامدها در دل تحولات گذار ساختار سنی که ادامه فاز گذار جمعیت است نهفته است. بنابراین بهتر است مطالعه مسائلی که در نتیجه تحولات جمعیتی ایجاد می‌شود در بستر گذار ساختار سنی انجام گیرد. گذار سنی شامل چهار مرحله متمایز است که با افزایش چشمگیر جمعیت در یکی از گروه‌های سنی همراه است؛ ابتدا، فاز کودکی، سپس فاز جوانی، بعد از آن فاز بلوغ جمعیت یا میان‌سالی و در نهایت فاز سالخوردگی است. از این‌رو در هر کدام از فازهای گذار ساختار سنی، مسائلی مطرح می‌شود که می‌تواند به‌طور مستقیم و یا غیرمستقیم از استقرار فازهای گذار ساختار سنی منتج گردد.

مطالعه تغییرات ساختار سنی ایران نشان می‌دهد که پس از افزایش باروری در طی سال‌های پس از انقلاب فاز کودکی گذار ساختار سنی آغاز و تا سال ۱۳۷۵ ادامه داشته است. به‌طوری‌که حدود ۳۹٫۵ درصد از جمعیت کل کشور در سال ۱۳۷۵ به جمعیت ۱۴-۰ سال اختصاص داشته است. صرف منابع بالا برای تأمین نیازهای این گروه سنی و مسائل و مشکلاتی که در راستای پوشش خدمات سلامت و آموزش این گروه سنی ایجاد شد پس از سال ۱۳۷۵ تا سال ۱۳۹۰ کشور ایران فاز جوانی جمعیت را پشت سر گذاشته است. تأمین نیازهای آموزشی یکی از مهم‌ترین مسائل و مشکلات استقرار این فاز از گذار ساختار سنی است. پس از سال ۱۳۹۰، فاز سوم گذار ساختار سنی (میان‌سالی) شروع و پیش‌بینی می‌گردد تا سال ۱۴۳۰ تداوم داشته باشد. بهره‌برداری از فرصت‌های استقرار این فاز گذار ساختار سنی که در قالب پنجره جمعیتی فرصت‌ها مطرح می‌گردد و رفع موانع و مشکلات پیش‌روی بهره‌مندی از مزایای آن مهم‌ترین مسئله جمعیتی کنونی کشور ایران محسوب می‌شود.

اما یکی از مهم‌ترین فازهای گذار ساختار سنی که پیامدهای قابل توجهی را برای کشور در پی دارد، فاز سالخوردگی است. پیامدهای استقرار فاز سالخوردگی جمعیت از دو منظر قابل بررسی است. یکی موانع پیش‌رو برای صرف منابع قابل توجه برای تأمین نیازهای متعدد و متنوع سالخوردگان و دیگری بهره‌برداری از مزایای استقرار سالخوردگی جمعیت در قالب سود جمعیتی دوم که با ورود به فاز سالخوردگی جمعیت امکان تحقق آن فراهم می‌شود. از این‌رو، مواجهه با این پیامدها نیازمند برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری دقیق و موثکافانه است.



گام اول در این راستا، شناخت ویژگی‌های اقتصادی، اجتماعی و جمعیتی جامعه هدف (سالمندان) در سطح ملی و بین‌المللی است. از این رو، هدف اصلی این پژوهش پاسخ به سؤالات زیر است:

- توزیع ملی و منطقه‌ای (استان محل اقامت و خاستگاه سکونتی) سالخوردگان در کشور از چه الگویی برخوردار است؟
- توزیع سنی و جنسی سالخوردگان در سطح ملی و منطقه‌ای از چه ویژگی‌هایی برخوردار است؟
- ویژگی‌های اقتصادی سالخوردگان (مشارکت اقتصادی، نسبت وابستگی، میزان بیکاری) در سطح ملی و منطقه‌ای چگونه است؟
- وضعیت زناشویی و سطح تحصیلات سالخوردگان از چه مشخصه‌هایی برخوردار است؟
- ساختار خانوارهای سالخورده سرپرست در سطح ملی و منطقه‌ای از چه الگویی برخوردار است؟
- رشد جمعیت سالخورده در سال‌های اخیر و تحولات آتی سهم جمعیت سالخورده از در سطح ملی و منطقه‌ای از چه مشخصه‌هایی برخوردار است؟

### ۱-۳- اهمیت و ضرورت موضوع پژوهش

کاهش مرگ‌ومیر، خصوصاً مرگ‌ومیر اطفال و نوزادان و کاهش باروری و رشد جمعیت در قرن اخیر باعث شد که در طی مرحله گذار مرگ‌ومیر، شاخص امید زندگی بدو تولد افزایش یافته و از رقمی کمتر از ۳۵ سال به رقمی بیش از ۷۰ سال افزایش یابد (میرزایی، ۱۳۸۴: ۲۷). افزایش امید زندگی و تجربه طول عمر بیشتر در اثر کاهش مرگ‌ومیر منجر به افزایش حجم جمعیت سالخورده می‌گردد که این مهم تحت عنوان سالخوردگی فردی نامیده می‌شود (لی، ۱۹۹۴). در عین حال، تأثیر هم‌زمان کاهش باروری در مرحله دوم گذار باروری و افزایش امید زندگی بدو تولد سبب شد تا حجم جمعیت کمتر از ۱۵ سال کاهش و حجم جمعیت بالای ۶۵ سال افزایش یابد. از این رو، با افزایش سهم جمعیت ۶۵ سال به بالا در مقایسه با سهم جمعیت کل یک منطقه، سالخوردگی جمعیت به عنوان یک پدیده جمعیتی بروز می‌کند.

در کنار کاهش مرگ‌ومیر و ارتقاء سطح امید زندگی که سبب افزایش طول عمر بیشتر در سنین سالخوردگی و افزایش جمعیت سالخورده می‌گردد، کاهش میزان کل باروری و گذار جمعیت نسل بیش‌زایی موالید به سنین سالخوردگی در بستر گذار ساختار سنی در افزایش سهم جمعیت سالخورده در سال‌های آتی نقش تعیین‌کننده‌ای را ایفا خواهد نمود. سالخوردگی جمعیت بالطبع منجر به بروز نیازمندی‌های متفاوت اقتصادی، اجتماعی و سلامت خواهد شد که لزوم برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری در مواجهه با این پدیده را ناگزیر می‌سازد. از این حیث می‌توان به برنامه‌ریزی برای ارتقاء سطح حمایت اجتماعی از سالمندان، ارتقاء سطح کمی و کیفی بهداشت و درمان در کشور به سبب بالا بودن سطح نیازمندی‌های بهداشتی و درمانی، توسعه حمایت‌های اقتصادی سالخوردگان از طریق توسعه چتر حمایتی بیمه‌ای از سالخوردگان اشاره نمود. از سوی دیگر، در سطح کلان، سالخوردگی جمعیت پیامدهایی همچون کاهش نیروی کار، افزایش بار مالی صندوق‌های بازنشستگی، عدم توازن در پرداخت‌های بیمه‌ای و ... را در بر دارد که بایستی برنامه‌ریزی‌های کارآمدی در مواجهه با این پیامدها صورت گیرد (عباسی و همکاران، ۱۳۹۲).

از این رو، شناسایی ویژگی‌های اقتصادی، اجتماعی سالخوردگان در برهه کنونی می‌تواند زمینه شناختی را برای سیاست‌گذاری کارآمد و بهینه در مواجهه با پدیده سالخوردگی جمعیت فراهم سازد.

## ۱-۴- اهداف تفصیلی طرح

اهداف این طرح پژوهشی عبارت است از:

- شناخت پیامدهای سالخوردگی جمعیت در ابعاد اقتصادی، اجتماعی و جمعیتی
- شناخت روند تغییرات رشد جمعیت سالخوردگان به تفکیک خاستگاه سکونتی و استان.
- شناخت ساختار سن و جنس به تفکیک خاستگاه سکونتی و استان.
- شناخت ویژگی‌های اقتصادی سالخوردگان (مشارکت اقتصادی، نسبت وابستگی، میزان بیکاری) به تفکیک خاستگاه سکونتی و استان.
- شناخت وضعیت زناشویی به تفکیک خاستگاه سکونتی و استان.
- شناخت وضع سواد و سطح تحصیلات سالخوردگان به تفکیک خاستگاه سکونتی و استان.
- شناخت ویژگی ترکیب خانوارهای سالمند سرپرست به تفکیک خاستگاه سکونتی و استان.
- شناخت روند آتی تحولات سهم جمعیت سالخورده در سطح ملی و منطقه‌ای.

## ۱-۵- روش تحقیق

روش تحقیق این پژوهش تحلیل داده‌های ثانویه است. به عبارتی، ویژگی‌های اشاره شده در اهداف تحقیق بر اساس اطلاعات سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۵ مورد مطالعه قرار گرفته است. متغیرهای تعداد جمعیت، خاستگاه سکونتی، سن، جنس، وضع زناشویی، وضعیت باسوادی، سطح تحصیلات، نسبت وابستگی، میزان بیکاری، میزان مشارکت اقتصادی و ترکیب خانوار از متغیرهایی است که بر اساس اطلاعات سرشماری نفوس و مسکن ۱۳۹۵ استخراج شده است.

یکی از مهم‌ترین مسائلی که در مطالعات سالخوردگی مطرح است، معیار استاندارد برای انتخاب جمعیت سالخورده است. اگرچه بر اساس معیار سازمان ملل و سازمان بهداشت جهانی، سن سالخوردگی ۶۰ سال در نظر گرفته شده است و بر این موضوع توافق وجود دارد که سن سالخوردگی از ۶۰ سالگی شروع می‌شود ولی با توجه به بالا بودن امید زندگی بدو تولد در ایران و بالا بودن سطح مشارکت اقتصادی جمعیت ۶۴-۶۰ سال، و همچنین با تکیه بر گزارش نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن به تفکیک گروه‌های سنی عمده، گروه سنی بالای ۶۵ سال به عنوان سن آغاز سالخوردگی در نظر گرفته شده و مبنای سنی برای انتخاب سالخوردگان سن ۶۵ سال بوده است.

## ۱-۶ - تعاریف و مفاهیم

### جمعیت (جامعه مورد سرشماری) سالخورده

اعضای همه خانوارهای معمولی ساکن، مؤسسه‌ای و گروهی ۶۵ سال و بالاتر که اقامتگاه معمولی آنان در زمان سرشماری در ایران قرار دارد و نیز اعضای تمامی خانوارهای معمولی غیر ساکن کشور، جامعه مورد سرشماری را تشکیل می‌دهند.

### خاستگاه سکونتی

منظور از خاستگاه سکونتی، محل سکونت سالخوردگان در دو منطقه شهری و روستایی است. منظور از جمعیت ساکن در نقاط شهری در هر یک از محدوده‌های بخش، شهرستان، استان یا کشور، جمعیت تمامی شهرهایی است که در همان محدوده قرار دارد و جمعیت هر شهر، عبارت است از مجموع تعداد اعضای همه خانوارهای معمولی ساکن، مؤسسه‌ای و گروهی که اقامتگاه معمولی آنان در زمان سرشماری در آن شهر واقع است. و منظور از جمعیت ساکن در نقاط روستایی در هر یک از محدوده‌های دهستان، بخش، شهرستان، استان یا کشور، جمعیت تمامی آبادی‌هایی است که در همان محدوده قرار دارد و جمعیت هر آبادی، عبارت است از مجموع تعداد اعضای همه خانوارهای معمولی ساکن، مؤسسه‌ای و گروهی که اقامتگاه معمولی آنان در زمان سرشماری در آن آبادی واقع است.

### سن

منظور از سن، تعداد سال‌های کاملی است که از زمان تولد فرد گذشته است.

### شاخص سالخوردگی

این شاخص نشان می‌دهد چند درصد جمعیت کشور را سالخوردگان تشکیل داده‌اند و از نسبت تعداد سالخوردگان ۶۵ ساله و بیشتر به کل جمعیت ضرب در ۱۰۰ به دست می‌آید.

### نسبت جنسی سالخوردگی

این شاخص نشان‌گر توزیع جمعیت زنان سالخورده نسبت به مردان سالخورده است

### متوسط رشد سالانه جمعیت سالخورده در یک دوره

عبارت است از نسبت تغییرات سالانه جمعیت سالخورده از زمان مبدأ به مقصد که به صورت درصد بیان می‌شود. متوسط رشد سالانه جمعیت در طول یک دوره از رابطه زیر محاسبه می‌شود:

$$r = \sqrt[t]{\frac{P_n}{P_0}} - 1$$

در این فرمول:

$T$ : متوسط رشد سالانه جمعیت

$P_n$ : جمعیت در انتهای دوره

$P_0$ : جمعیت در ابتدای دوره

$t$ : طول دوره بر حسب سال

### امید زندگی سالخوردگی

به تعداد سال‌های مورد انتظار که یک فرد با ورود به سن ۶۵ سالگی عمر می‌کند. که با استفاده از فرمول زیر محاسبه می‌شود:

$$e_0 = \frac{T_{65}}{I_{65}}$$

$T_{65}$ : مجموع سال‌های زندگی نسل را پس از ورود به سن ۶۰ سالگی نشان می‌دهد.

$I_{65}$ : تعداد بازمانده نسل در سن ۶۰ سالگی

### میزان باسوادی

درصد سالمندانی که می‌توانند به فارسی یا هر زبان دیگری متن ساده‌ای را بخوانند و بنویسند خواه مدرک رسمی داشته یا نداشته باشند به کل سالمندان.

### سطح تحصیلات (پایه، دوره یا مدرک تحصیلی)

پایه، دوره یا مدرک تحصیلی برای افراد در حال تحصیل و افراد غیر محصل بر اساس سطوح، چارچوب‌ها و توصیه‌های طبقه‌بندی بین‌المللی سطوح آموزشی و رشته‌های تحصیلی<sup>۱</sup> و انطباق آن با نظام آموزشی کشور در گذشته و حال، تنظیم شده است. مشروح مصادیق سطوح و دوره‌های تحصیلی در نشریه "طبقه‌بندی سطوح آموزشی و رشته‌های تحصیلی ایران بر اساس ISCED-۹۷" موجود است.

### نرخ فعالیت اقتصادی سالمندان

عبارت است از نسبت تعداد جمعیت فعال (شاغل و بیکار) به جمعیت ۶۵ سال و بیشتر.

---

<sup>۱</sup> International Standard Classification Of Education

جمعیت فعال (شاغل و بیکار) بالای ۶۵ سال  
 ×۱۰۰  
 جمعیت ۶۵ سال و بیشتر

این شاخص با استفاده از متغیر وضع فعالیت استخراج می‌شود. در این سرشماری، وضع فعالیت افراد در ۷ روز پیش از مراجعه مأمور سرشماری مورد نظر است. هر یک از افراد از این نظر و با توجه به تعریف کار، در یکی از گروه‌های زیر قرار می‌گیرند:

### شاغل

فردی که مطابق با تعریف کار و مصادیق آن در ۷ روز پیش از مراجعه مأمور سرشماری حداقل یک ساعت کار کرده، هرچند در شغل معمولی خود کار نکرده باشد، شاغل محسوب می‌شود. علاوه بر این، افراد دارای شرایط زیر نیز شاغل به حساب می‌آیند:

- افرادی که دارای شغلی هستند ولی در ۷ روز پیش از مراجعه مأمور سرشماری حداقل یک ساعت کار نکرده‌اند.
- افرادی که در فعالیتهای کشاورزی برای خود کار می‌کنند و به دلیل فصلی بودن کارشان در ۷ روز پیش از مراجعه مأمور سرشماری کار نکرده‌اند.
- افرادی که به دلیل نوبتی بودن کارشان در ۷ روز پیش از مراجعه مأمور سرشماری سرکار خود نرفته‌اند.
- افرادی که از سازمان محل کار خود بورسیه تحصیلی گرفته‌اند و مشغول به تحصیل هستند و به این دلیل در ۷ روز پیش از مراجعه مأمور سرشماری کار نکرده‌اند.
- افرادی که به دلیل مرخصی، تعطیلات، بیماری و مسافرت و ... در ۷ روز پیش از مراجعه مأمور سرشماری سرکار خود نرفته‌اند.
- افرادی که به دلایلی نظیر تغییرات موقت سازمانی یا خرابی دستگاه‌ها و ماشین‌آلات، نداشتن مشتری یا سفارش کار به‌طور موقت سرکار نرفته‌اند.
- افرادی که از کار خود معلق شده‌اند ولی پیوند رسمی شغلی دارند.

### بیکار

افرادی که در ۷ روز پیش از مراجعه مأمور سرشماری حداقل یک ساعت کار نکرده‌اند و دارای شغلی نیز نبوده‌اند در صورت داشتن دو شرط زیر بیکار محسوب می‌شوند.

در ۳۰ روز گذشته برای جستجوی کار، اقدامات مشخصی را نظیر ثبت نام یا پیگیری در مؤسسات کاریابی، پرس و جو از دوستان، تماس با کارفرمایان، مطالعه آگهی‌های استخدامی و ... انجام داده باشند. آماده به کار باشند، یعنی طی یک دوره ۱۵ روزه شامل ۷ روز گذشته و ۷ روز آینده آمادگی شروع کار را داشته باشند.

همچنین افراد زیر بیکار محسوب شده‌اند:

- در انتظار شروع کار جدید هستند، یعنی برای آنان کاری مهیا شده و قرار است در آینده به آن کار مشغول شوند و نیز آماده به کار (طبق تعریف) هستند.
- در انتظار بازگشت به شغل قبلی و نیز آماده به کار (طبق تعریف) هستند. منظور از "در انتظار بازگشت به شغل قبلی" این است که فرد قبلاً دارای کار بوده و به دلایلی کار خود را از دست داده و پیوند رسمی شغلی ندارد ولی در انتظار بازگشت به شغل خود به سر می‌برد.

### جمعیت فعال اقتصادی

تمامی اعضای ده ساله و بیشتر خانوارها که در هفت روز قبل از مراجعه مأمور آمارگیری شاغل و یا بیکار بوده‌اند جمعیت "فعال اقتصادی" به شمار می‌آیند. محصلان، خانه‌داران و دارندگان درآمد بدون کار، چنانچه شاغل یا بیکار نیز بوده‌اند، "فعال اقتصادی" محسوب می‌شوند.

### جمعیت غیرفعال اقتصادی

تمامی اعضای ده ساله و بیشتر خانوارها که در هفت روز قبل از مراجعه مأمور آمارگیری شاغل و یا بیکار نبوده‌اند جمعیت "غیرفعال اقتصادی" به شمار می‌آیند. چهار گروه زیر جزء جمعیت غیرفعال اقتصادی به شمار می‌روند.

### محصل

افرادی که شاغل یا بیکار نباشند و طبق برنامه‌های آموزش رسمی کشور در حال تحصیل هستند یا در خارج از کشور مشغول به تحصیل هستند.

### خانه‌دار

افرادی که مشغول انجام وظایف خانه‌داری هستند. دارای درآمد بدون کار: کسانی که شاغل، بیکار (جویای کار) و محصل محسوب نمی‌شوند و دارای درآمد حاصل از بازنشستگی، املاک و مستغلات، سود سهام، سپرده‌ها و... هستند، دارای درآمد بدون کار محسوب می‌شوند.

### سایر

کسانی که در هیچ‌یک از گروه‌های بالا قابل طبقه‌بندی نیستند، در گروه سایر قرار می‌گیرند.

### وضعیت زناشویی

در این پژوهش، وضعیت زناشویی سالخوردگان در قالب چهار گزینه مورد پرسش قرار گرفته است

### دارای همسر

به زنان یا مردانی که عقد کرده‌اند، دارای همسر گفته می‌شود. زن یا مردی که نامزد شده اما هنوز عقد نکرده است، دارای همسر محسوب نمی‌شوند.

### بی‌همسر بر اثر فوت همسر

به کسانی که همسرشان فوت کرده است و تا روز آمارگیری مجدداً ازدواج نکرده‌اند، بی‌همسر بر اثر فوت همسر گفته می‌شود.

### بی‌همسر بر اثر طلاق

به کسانی که از همسر خود بر اثر طلاق جدا شده و تا روز آمارگیری مجدداً ازدواج نکرده‌اند، بی‌همسر بر اثر طلاق گفته می‌شود.

### هرگز ازدواج نکرده

به کسانی که تا روز آمارگیری هرگز ازدواج نکرده‌اند، هرگز ازدواج نکرده گفته می‌شود.





## مبانی نظری و ادبیات پژوهشی

### ۲-۱- مقدمه

رویکردهای نظری متعددی به موضوع سالخوردگی پرداخته‌اند. در یک تقسیم‌بندی کلی می‌توان رویکردهای نظری در رابطه با سالخوردگی را در دو دسته کلی رویکردهای کلی سطح کلان و سطح خرد تقسیم‌بندی نمود. رویکردهای نظری سطح کلان که اغلب رویکردهای نظری جمعیتی هستند به بررسی تحولات جمعیت سالخورده و سالخوردگی جمعیت و پیامدهای آن از منظر اقتصادی، اجتماعی و جمعیتی پرداخته‌اند. این نظریات که اغلب به عنوان نظریات مبنایی در تحولات جمعیت مورد تأکید قرار می‌گیرد شامل نظریه گذار جمعیت شناختی و نظریه گذار ساختار سنی است. به عبارتی، از منظر رویکردهای نظری مذکور تحولات مؤلفه‌های پویایی جمعیت و ساختار سنی جمعیت مکانیسم شکل‌گیری سالخوردگی جمعیت مورد بررسی قرار می‌گیرد. از سوی دیگر، برخی نظریه‌ها در سطح خرد به بررسی پدیده سالخوردگی پرداخته‌اند. به عبارتی، در این نظریه‌ها به بحث پیرامون عوامل بیولوژیکی مؤثر در سالخوردگی، سالخوردگی فعال، پیامدهای اجتماعی و اقتصادی سالخوردگی پرداخته شده است. در این بخش سعی بر این بوده است تا با طرح نظریه‌های سطح خرد و کلان سالخوردگی و ارائه پژوهش‌های انجام شده در رابطه با سالخوردگی، رویکردی جامع در تبیین پدیده سالخوردگی ارائه شود.

### ۲-۲- نظریات سطح کلان

همچنان که اشاره شد، نظریاتی که در قالب نظریات سطح کلان طبقه‌بندی شده‌اند، اغلب به بحث پیرامون سالخوردگی جمعیت و مکانیسم بروز و استقرار سالخوردگی جمعیت و پیامدهای جمعیتی و اجتماعی سالخوردگی اختصاص دارد. نظریه گذار جمعیتی و گذار ساختار سنی که فاز نهایی نظریه گذار جمعیتی است و مفاهیم نظری مرتبط با پیوند بین سالخوردگی و سود جمعیتی از جمله نظریاتی است که در این بخش بدان پرداخته شده است.

## ۲-۲-۱- نظریه گذار جمعیت

نظریه گذار جمعیت یکی از مهم‌ترین و اولین نظریه‌های است که در تبیین تغییرات رشد جمعیت و مرگ‌ومیر و باروری مطرح شده است. ارتباط این نظریه با سالخوردگی جمعیت به پیوند بین گذار ساختار سنی و گذار جمعیت برمی‌گردد. به عبارتی، گذار ساختار سنی وجه تکمله گذار جمعیت است. نسل بیش‌زایی موالیده که در مرحله سوم گذار جمعیتی بروز می‌کند زمینه را برای شکل‌گیری فازهای گذار ساختار سنی فراهم می‌سازد. بروز نسل بیش‌زایی موالیده ارتباط تنگاتنگی با کاهش قابل توجه میزان مرگ‌ومیر نوزادان و کودکان و دارد که تحت عنوان گذار مرگ‌ومیر از آن یاد می‌شود. از این رو، گذار ساختار سنی که فاز سالخوردگی یکی از مراحل این گذار محسوب می‌شود ریشه در گذار جمعیت دارد. طرح نظریه گذار جمعیت در این پژوهش با هدف شناخت مبنای شکل‌گیری سالخوردگی جمعیت از یک سو و شناخت بسترهای اجتماعی و اقتصادی گذار جمعیت که به‌طور مستقیم در شکل‌گیری سالخوردگی جمعیت نقش دارد از سوی دیگر، صورت گرفته است. گذار جمعیتی به گذار جوامع از سطح ثابت و بالای مرگ‌ومیر و باروری به سطح ثابت و پایین مرگ‌ومیر و باروری اطلاق می‌گردد. معمولاً گذار مرگ‌ومیر قبل از گذار باروری صورت می‌گیرد و در نتیجه فاصله زمانی ایجادشده بین دو گذار، افزایش رشد طبیعی جمعیت رخ می‌دهد. گذار مرگ‌ومیر خود در نتیجه صنعتی شدن و مدرنیزاسیون رخ می‌دهد که در نتیجه آن مرگ‌ومیر به‌طور کلی و مرگ‌ومیر کودکان به‌طور خاص کاهش می‌یابد. چون کاهش مرگ‌ومیر مطلوب همه جوامع است و تابع ارزش‌های اجتماعی و اقتصادی نیست گذار مرگ‌ومیر سریع‌تر و قبل از گذار باروری رخ می‌دهد. ولی باروری تابع ارزش‌های اجتماعی و اقتصادی جوامع است و برای کاهش آن این ارزش‌ها باید تغییر نمایند که فرآیندی بطئی است. در مرحله قبل از گذار، جوامع برای بقا و حفظ جمعیت خود در مقابل میزان‌های مرگ‌ومیر بالا، دارای ارزش‌هایی مانند ازدواج در سنین پایین و داشتن فرزندان زیاد هستند. با کاهش مرگ‌ومیر، فرآیند گذار باروری تا تغییر در چنین ارزش‌هایی رخ ندهد شروع نمی‌شود. کاهش مرگ‌ومیر از یک طرف باعث افزایش شانس زنده ماندن فرزندان می‌گردد و از طرفی مادران این فرزندان به دلیل مرگ‌ومیر پایین و بهداشت بهتر دارای طول دوره بچه‌آوری بیشتری می‌شوند. این امر باعث می‌گردد که تعداد فرزندان و بعد خانوار افزایش یابد. با افزایش بعد خانوار و فشار بر سیستم اقتصادی و اجتماعی خانواده، ارزش‌های مربوط به باروری بالا و همچنین گرایش به داشتن فرزندان بیشتر تغییر می‌یابند و کنترل موالیده در خانواده مقبولیت اجتماعی می‌یابد که نتیجه آن کاهش باروری است.

این نظریه، که در طول چند دهه پارادایم غالب در جمعیت‌شناسی بوده است، کاهش باروری را ناشی از فرآیند صنعتی شدن<sup>۱</sup>، شهرنشینی<sup>۲</sup> و به‌طور کلی توسعه اقتصادی<sup>۳</sup> می‌داند. به بیان دیگر، کشورها در مسیر حرکت به

<sup>۱</sup>. Industrialization Process

<sup>۲</sup>. Urbanization

<sup>۳</sup>. Economic Development

سمت توسعه اقتصادی - اجتماعی و مدرنیزاسیون گذار جمعیتی را تجربه می‌کنند. هر چه سطح توسعه یافتگی در منطقه و یا کشوری بالاتر باشد انتظار می‌رود که میزان باروری در آن کشور پایین‌تر باشد، و بالعکس در مناطق کم‌تر توسعه یافته میزان‌های باروری بالاتر خواهد بود (نتشتاین، ۱۹۵۳). بر این اساس استدلال می‌شود که تغییرات در صنعتی شدن، شهرنشینی و توسعه اقتصادی، ابتدا باعث کاهش مرگ‌ومیر می‌شود، سپس به دلیل افزایش احتمال بقاء فرزندان میزان باروری کاهش می‌یابد، زیرا از طرفی پرورش فرزندان هزینه‌های سنگینی بر والدین تحمیل می‌کند و از طرف دیگر، منافع فرزندان کاهش می‌یابد. در نتیجه، انگیزه والدین برای داشتن فرزند بیشتر سست می‌شود (تامسون، ۱۹۲۹؛ نتشتاین، ۱۹۵۳). در کشورهای در حال توسعه، گذار جمعیتی عمدتاً بعد از جنگ جهانی دوم و با ورود تکنولوژی‌های پزشکی که منجر به کاهش شدید مرگ‌ومیر شده است اتفاق افتاده است. به خاطر ماهیت وارداتی بودن پیشرفت‌های پزشکی و کاهش شدید مرگ‌ومیر، در این کشورها افزایش شدیدی در نرخ رشد طبیعی جمعیت در فاصله بین کاهش مرگ‌ومیر و آغاز کاهش باروری رخ می‌دهد. به همین خاطر جمعیت این کشورها یک‌باره شاهد افزایش شدیدی می‌شود. برعکس، در کشورهای اروپائی به خاطر بطئی بودن پیشرفت‌های پزشکی افزایش ناگهانی جمعیت رخ نداده است. بنابراین، کشورهایی که گذار جمعیتی را در یک بازه زمانی طولانی و بطئی آغاز کرده و با جهش رشد جمعیتی مواجه نشده‌اند با شدت کمتری با سالخوردگی جمعیت مواجه شده‌اند. از طرفی، سالخوردگی جمعیت در کشورهای توسعه یافته بیشتر تحت تأثیر سالخوردگی فردی بوده است. اما در کشورهای در حال توسعه که گذار جمعیت را در بازه زمانی کوتاهی طی نموده‌اند و جهش رشد جمعیتی بالایی دارند، با انتقال نسل بیش-زایی موالید به سنین سالخوردگی، سالخوردگی جمعیت با شدت بیشتری رخ می‌دهد.

## ۲-۲-۲- گذار ساختار سنی

همچنان که اشاره شد، گذار ساختار سنی، بخش مکمل فرایند گذار جمعیتی است. در واقع، تغییر در ساختار سنی جمعیت مرحله‌ی آخر گذار جمعیتی است. علاوه بر تأثیرات گذار جمعیتی بر حجم و رشد جمعیت، به‌طور قابل توجهی ساختار سنی جمعیت را تحت تأثیر قرار می‌دهد. کاهش مرگ‌ومیر و به‌ویژه کاهش باروری، نیروی محرکه اصلی تغییرات ساختار سنی جمعیت است.

کاهش در باروری و مرگ‌ومیر که در بستر گذار جمعیتی رخ می‌دهد منجر به تغییرات اساسی در ساختار سنی جمعیت می‌شوند. افزایش امید زندگی در بدو تولد در مراحل اولیه گذار جمعیتی منجر به افزایش جمعیت کودکان شده و در مراحل پایانی گذار، افزایش آن منجر به افزایش جمعیت سالخورده می‌شود. نکته قابل ذکر این است که، تغییرات در مرگ‌ومیر، کمتر از تغییرات باروری توزیع سنی را تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ زیرا کاهش‌های مرگ‌ومیر معمولاً تمام سنین را تحت تأثیر قرار می‌دهد، در حالی که کاهش‌های باروری تعداد افراد جدید وارد شده به جمعیت یعنی جمعیت صفر ساله را در هر جمعیت تحت تأثیر قرار می‌دهد» (بونگارتز ۱۹۹۸، ۷). از این رو، کاهش باروری منجر به تغییرات اساسی در ساختار سنی جمعیت در گذار از ساختاری جوان (به شکل هرم) به ساختاری سالخورده (به شکل استوانه) می‌گردد.

بر اساس دو عنصر کلیدی تغییرات جمعیتی یعنی میزان‌های مولید و مرگ‌ومیر مدل گذار جمعیتی طراحی شده است. قبل از شروع گذار جمعیتی، امید زندگی پایین، مولید بالا، رشد جمعیت کند و ساختار جمعیت ساختاری جوان دارد. در بستر گذار جمعیتی، ابتدا مرگ‌ومیر و سپس باروری کاهش یافته، در نتیجه میزان‌های رشد جمعیت ابتدا افزایش سریعی داشته و سپس دوباره کاهش می‌یابد. با حرکت به سمت باروری پایین و زندگی طولانی یک جمعیت سالخورده شکل خواهد گرفت (لی، ۲۰۰۳: ۱۶۷). بر این اساس، در مراحل پایانی گذار جمعیتی مباحث جمعیتی به‌جای رشد و افزایش جمعیت حول محور ساختار سنی جمعیت و تغییرات آن متمرکز می‌شود.

همان‌طور که اشاره شد به تبعیت از گذار جمعیتی، گذار سنی رخ می‌دهد. گذار سنی شامل چهار مرحله متمایز است که با افزایش چشمگیر جمعیت در یکی از گروه‌های سنی همراه است؛ ابتدا، فاز کودکی، سپس فاز جوانی، بعد از آن فاز بلوغ جمعیت یا میان‌سالی و در نهایت فاز سالخوردگی است (مالبرگ و سومستاد، ۲۰۰۰: ۳).

اولین فاز از گذار سنی، یعنی فاز کودکی، وقتی رخ می‌دهد که کاهش میزان‌های مرگ در طول مرحله اول گذار جمعیتی، افزایش در تعداد کودکان را ایجاد می‌کند. دلیل چنین افزایشی در تعداد کودکان این است که در جمعیت‌های با مرگ‌ومیر بالا، اغلب کسانی که می‌میرند اطفال و کودکان هستند. از این رو، کاهش در مرگ‌ومیر اساساً زندگی آن‌ها را بهبود می‌بخشد و تعداد بیشتری از آن‌ها زنده می‌مانند. بنابراین کوهورت‌های که وارد مرحله بزرگ‌سالی می‌شوند بیشتر و بزرگ‌تر می‌شوند، و در نتیجه به‌زودی جمعیت در سنین باروری افزایش می‌یابد و این وضعیت در صورت عدم تغییر رفتار باروری منجر به افزایش بعدی در تعداد مولید خواهد شد. از این رو، تقریباً ۳۰ تا ۴۰ سال بعد از کاهش مرگ‌ومیر، ساختار سنی جمعیت همراه با رفتار باروری تغییر نیافته، منجر به هرم سنی مقعر شکل<sup>۱</sup>، که خاص کشورهای با میزان‌های بالای رشد جمعیتی است می‌شود.

با آغاز و تداوم کاهش میزان‌های باروری، تغییرات اساسی در ساختار سنی جمعیت آغاز می‌شود. در این شرایط کاهش در تعداد فرزندان متولدشده اتفاق می‌افتد. این کاهش یک تورم و برآمدگی در ساختار سنی جمعیت ایجاد می‌کند. این تورم توسط کوهورت‌هایی که قبل از مرحله کاهش باروری متولد شده بودند، ایجاد می‌شود. در این شرایط هرم کلاسیکی جمعیت به تدریج تغییراتی را در خود نشان می‌دهد، بدین صورت که پایه‌های هرم سنی باریک‌تر می‌شود و هرم سنی به‌طور فزاینده محدبی شکل<sup>۲</sup> می‌گردد.

در مدل سنتی و کلاسیک، کاهش در میزان مولید فاز نهایی گذار جمعیتی است. در حالی‌که، گذار سنی در این مرحله هنوز کامل نشده است. دلیل آن ساده است، جمعیتی که یک تورم در ترکیب سنی‌اش ایجاد شده است این تورم به‌طور مداوم در طول ساختار سنی حرکت می‌کند و انتقال می‌یابد.

<sup>۱</sup> Concave pyramid shape

<sup>۲</sup> Convex shape

مرحله دوم گذار ساختار سنی، فاز جوانی است که طی آن تورم به سنین جوانی می‌رسد، سپس تورم به سنین میان‌سالی منتقل شده و آن فاز سوم یعنی فاز بلوغ یا میان‌سالی را مشخص خواهد کرد. بعد از آن، یعنی بیش از ۶۰ سال از آغاز کاهش باروری، تورم وارد سنین سالخوردگی خواهد شد و فاز سالخوردگی جمعیت شکل خواهد گرفت.

آنچه در گذار ساختار سنی اهمیت پیدا می‌کند، از دو منظر قابل بررسی است، ۱- فازهای گذار ساختار سنی و دیگری پیامدها و الزاماتی که برای مواجهه با استقرار هر کدام از فازها قابل توجه است. در فاز کودکی و ساختار سنی جوان نیازها و هزینه‌های بهداشتی و آموزشی اهمیت ویژه‌ای در برنامه‌ریزی‌های توسعه اقتصادی و اجتماعی پیدا می‌کنند. این در حالی است که در ساختارهای سنی در حال انتقال مسائل مرتبط با اشتغال، ازدواج و تشکیل خانواده، مسکن و به‌طور کلی نیازهای مرتبط با دوره‌های جوانی و میان‌سالی اهمیت ویژه می‌یابند و بالاخره در ساختار سنی سالخورده نیازهایی از قبیل تأمین اجتماعی، مسائل بهداشتی و معلولیت‌ها، مسائل رفاهی و روانی اجتماعی و به‌طور کلی مسائل مرتبط با بازنشستگان و سالخوردگان اولویت پیدا می‌کنند (میرزایی و همکاران ۱۳۸۲، ۶).

### ۲-۲-۳- سالخوردگی جمعیت و سود جمعیتی

یکی از مهم‌ترین پیامدهای گذار ساختار سنی، استقرار پنجره جمعیتی است. به عبارتی، اگرچه گذار ساختار سنی می‌تواند پیامدهای منفی برای یک جمعیت به دنبال داشته باشد، ولی موهبتی تکرار نشدنی از نظر جمعیتی برای یک جامعه به ارمغان می‌آورد که در صورت بهره‌برداری شایسته و بایسته از آن، جامعه را در مسیر توسعه اقتصادی سریع قرار خواهد داد. پنجره جمعیتی، دوره زمانی نسبتاً کوتاه از تحولات جمعیتی یک کشور است که در طول آن نسبت جمعیت سنین فعالیت به حداکثر می‌رسد و نوعی ساختار جمعیتی مطلوب برای شتاب بخشیدن به رشد اقتصادی مهیا می‌شود. این مهم تحت عناوین مختلف همچون پنجره جمعیتی، فرصت جمعیتی، سود جمعیتی، امتیاز جمعیتی، فرصت طلایی مطرح شده است. در بحث موهبت جمعیتی دو مفهوم پرتکرار و از نظر اجرایی قابل تمیز است؛ پنجره جمعیتی و سود جمعیتی.

- پنجره جمعیتی<sup>۱</sup>: پنجره جمعیتی به دوره زمانی اطلاق می‌شود با افزایش جمعیت در سن کار زمینه برای رشد اقتصادی فراهم می‌شود.
- سود جمعیتی<sup>۲</sup>: رشد اقتصادی تسریع یافته‌ای اطلاق می‌شود که در نتیجه بالا رفتن یا افزایش بهره‌وری و فعالیت اقتصادی جمعیت در سن فعالیت ایجاد می‌شود.

در مباحث جمعیتی وقتی سخن از پنجره جمعیتی به میان می‌آید هدف نشان دادن ظرفیت‌های جمعیتی موجود برای افزایش میزان رشد اقتصادی است. درحالی‌که سود جمعیتی رشد اقتصادی محقق شده‌ای است که در نتیجه بهره‌برداری از ظرفیت‌های جمعیتی مذکور است. بنابراین، هنگامی که سخن از موهبت تحولات

<sup>۱</sup> Demographic Window of opportunity

<sup>۲</sup> Demographic Dividend

ساختار سنی به میان می‌آید، به فعلیت رسیدن ظرفیت‌های مذکور و لزوم توجه برای رفع موانع و ایجاد تسهیلات لازم برای بهره‌برداری از آن به میان می‌آید.

آنچه سالخوردگی جمعیت را با مفهوم سود جمعیتی پیوند می‌زند، سودهای جمعیتی دوگانه‌ای است که در زمان‌های متفاوت و تحت شرایط متفاوت محقق می‌شود. در حقیقت، سود جمعیتی شامل سود جمعیتی اول و سود جمعیتی دوم است و نقطه پیوند بین سالخوردگی جمعیت و سود جمعیتی در بستر سود جمعیتی دوم شکل می‌گیرد.

سود جمعیتی اول به میزان رشد اقتصادی ایجاد شده به واسطه رشد نسبت حمایت<sup>۱</sup> (نسبت تعداد تولیدکننده تأثیرگذار بر مصرف‌کننده تأثیرگذار) اطلاق می‌گردد (بلوم، ۲۰۰۳).

سود جمعیتی دوم که در نتیجه پیوند بین انباشت ثروت و سالخوردگی ایجاد می‌شود، از دو روش قابل پیگیری است:

#### ۱- انباشت بیشتر ثروت :

- تأثیر ترکیبی: انباشت ثروت ناشی از مازاد درآمد کار برای سرمایه‌گذاری در مصرف دوره سالخوردگی برای افرادی که در پایان دوره فعالیت.
- تأثیر رفتاری : تغییر پروفایل سنی ثروت که خود تابعی است از افزایش طول عمر در دوره سالخوردگی و به تبع آن افزایش دوره بازنشستگی.

#### ۲- سرمایه‌گذاری بیشتر در سرمایه انسانی : سرمایه‌گذاری در سلامت و آموزش فرزندان (میسون، ۲۰۰۵).

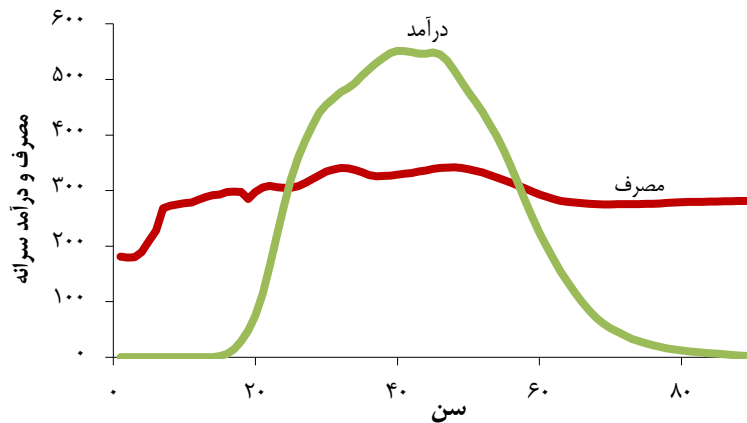
برای درک بهتر این موضوع به یکی از مهم‌ترین مکانیسم‌های تحقق سود جمعیتی، چرخه زندگی اقتصادی: نوسانات سنی تولید و مصرف اشاره می‌شود. رفتار اقتصادی افراد به مرحله و جایگاه آن‌ها در چرخه زندگی بسیار وابسته است، در شرایطی که نسبت زیادی از جمعیت را افراد وابسته (کودک و سالمند) تشکیل می‌دهد، معمولاً محدودیت‌هایی برای رشد و توسعه اقتصادی فراهم می‌شود. زیرا نسبت قابل توجهی از منابع بایستی به رفع نیازهای آن‌ها اختصاص یابد. در مقابل، داشتن یک نسبت بزرگ‌تر از جمعیت در سنین کار می‌تواند محرک رشد اقتصادی باشد، زیرا درآمد و انباشت سرمایه در این شرایط افزایش می‌یابد. بر این اساس تغییرات در ساختار سنی تأثیر عمده‌ای بر رشد و توسعه اقتصادی دارد.

مودیگلیانی با ارائه فرضیه چرخه زندگی<sup>۲</sup> به تبیین نوسانات سنی در تولید و مصرف پرداخته و به خوبی اهمیت بافت و ساختار سنی جمعیت را بر روندهای مصرف و تولید (درآمد) نشان می‌دهد. وی زندگی افراد را به سه دوره تقسیم می‌کند؛ دوره خردسالی و نوجوانی (زیر ۱۵ سال) که طی آن مصرف از درآمد بیشتر است و دوره میان‌سالی (۱۵ تا ۶۴ سال) که اواسط سال‌های زندگی فرد را می‌پوشاند و در حقیقت سال‌های مولد فرد در طول زندگی محسوب می‌گردد. در این دوره، میزان مصرف کمتر از میزان تولید (درآمد) فرد است، که بخشی

<sup>۱</sup> Support Ratio

<sup>۲</sup>. Life cycle hypothesis (LCH)

از آن بابت مصرف در اوایل زندگی بازپرداخت و بخش دیگر نیز پس‌انداز می‌شود. دوره سوم به دوره سالخوردگی (بالای ۵۶ سال) مربوط است، در این دوران مصرف فرد بر پس‌انداز فزونی دارد.



شکل ۲-۱: چرخه زندگی اقتصادی آسیایی

منبع: صادقی ۱۳۹۱ بر اساس میسون، لی و رونالد لی، ۲۰۰۷.

آنچه از شکل (۲-۱) استنباط می‌شود این است که با توجه اینکه در سن فعالیت (۱۵-۶۴ سال) میزان درآمد افراد بالاتر از مصرف قرار می‌گیرد، تغییرات ساختار سنی در قالب جوانی جمعیت و تورم جمعیت در سن فعالیت زمینه را برای درآمد بیشتر و در نتیجه رشد اقتصادی فزاینده فراهم می‌سازد. در مقابل گذار ساختار سنی در قالب فاز کودکی و سالخوردگی میزان مصرف را در مقایسه با میزان درآمد در سطح بالاتری قرار می‌دهد. با این وجود، انباشت ثروت در دوره پیش از سالخوردگی با در نظر گرفتن اثرات ترکیبی و رفتاری به منظور مصرف دوره سالخوردگی و مدیریت مصرف ثروت انباشته شده، زمینه را برای تحقق سود جمعیتی دوم فراهم می‌سازد.

## ۲-۳- نظریات سطح خرد

در نظریات سطح خرد که به بحث‌های زیست‌شناختی، روان‌شناختی و جامعه‌شناختی اختصاص دارد، سالخوردگی و عوامل و پیامدهای آن در سطح فردی مطرح نظر بوده است. این بخش از نظریات صرفاً به منظور ایجاد حساسیت نظری و چندجانبه به موضوع سالخوردگی ارائه شده است.

ژرونتولوژی یا علم پیری‌شناسی، فرآیندهای پیری را از جنبه‌های زیست‌شناختی، روان‌شناختی و جامعه‌شناختی مورد مطالعه قرار می‌دهد. در طول زمان نظریات متفاوتی در رابطه با پیری و مسائل مربوط به آن مطرح شده است. نظریاتی که سالخوردگی را از نظر جسمی مورد مطالعه قرار می‌دهند و نظریاتی که از

جنبه اجتماعی آن را بررسی می‌کنند. جامعه‌شناسان، روان‌شناسان و پیری‌شناسان الگوهای گوناگونی از سالخوردگی فراهم آورده‌اند تا تأثیر عوامل مختلف بر سالخوردگی را تبیین کنند. این نظریات شامل سه قسمت می‌شوند:

(الف) نظریه‌های زیست‌شناختی که فرآیند سالخوردگی را از نظر جسمی و فیزیکی مورد بررسی قرار می‌دهند و شامل سه دسته می‌شوند، ۱- نظریه ایمنی ۲- نظریه پیر شدن سلولی ۳- نظریه رادیکال آزاد.

(ب) نظریه‌های روان‌شناختی که پیری را از نظر روانی و رفتارهایی که در این دوره بروز پیدا می‌کند، بررسی می‌کنند.

(ج) نظریه‌های جامعه‌شناختی که به چهار دسته تقسیم می‌شوند ۱- نظریه عدم تعهد ۲- نظریه فعالیت ۳- نظریه استمرار ۴- نظریه تعاملی.

با توجه به این‌که الگوی نظری و مفهومی این پژوهش در تبیین سالخوردگی جمعیت و پیامدهای آن بر نظریات جمعیتی و تا حدودی بر نظریات جامعه‌شناختی استوار بوده است، نظریات روان‌شناختی و زیست-شناختی ارائه نشده است

### ۲-۳-۱- نظریه عدم تعهد

نظریه عدم تعهد توسط کامینگز و ویلیام هانری تکوین یافته و جزء اولین و بحث برانگیزترین نظریه‌های جامعه‌شناختی در مورد پیری است (عامری و همکاران، ۱۳۸۱). این دو با تکیه بر نتایج پژوهشی انجام شده بر ۲۷۹ سالخورده کانزاس سیتی با سن بین ۵۰ تا ۹۰ سال که همگی سالم بودند و بهره‌مند از حداقل استقلال مالی، بر این باورند که پیرشدگی طبیعی با دور شدن و یا «بی‌تعهد شدگی» متقابل فرد مسن از دیگر اعضای گروه اجتماعی‌ای همراه است که سالخورده جزء آن محسوب می‌شود. این بی‌تعهد شدگی در کاهش تعداد نقش‌های اجتماعی ایفا شده توسط شخص، در کاهش تعاملات اجتماعی و در تغییر ماهیت روابطی نمود پیدا می‌کنند که از این به بعد بر ارتباطات عاطفی استوارند و ارتباط کمتری با همیاری کارکردی دارند (کارادک، ۱۳۹۱، ص ۱۲۳).

بر اساس این نظریه فرد در سال‌های میانی عمر، فناپذیری و مرگ خود را یاد می‌کند و تدریجاً برخوردهای خود را با اجتماع و دیگران کاهش داده و هم‌زمان جامعه نیز، متقابلاً فرد را از خود جدا می‌سازد. اشخاص می‌توانند با فراغت از قید و بندهایی که فرد را به جامعه پیوند می‌دهد از این فرصت استفاده نموده و از سنین سالخوردگی خود لذت ببرند. عدم تعهد فرض اصلی این نظریه است؛ در این تئوری فرض شده است که پیران از کار همیشگی که در طول سنین میان‌سالی عمر، انجام می‌دهند جدا شده و وقت خود را صرف فعالیت‌های شخصی و مربوط به خود کرده‌اند. مکانیسم‌های دفاعی درون‌گرایی و درون‌گزینی به فرد اجازه می‌دهد تا تعادل جدیدی را برقرار ساخته و با تغییرات متعدد سالخوردگی، سازگاری یابد. علاوه بر این جدا شدن جامعه از سالخورده یک حالت جدایی دو طرفه ایجاد می‌کند (عامری و همکاران، ۱۳۸۱).

کامینگز و هانری چهار خصلت دو جانبه بودن، کارکردی بودن، برگشت‌ناپذیری و جهان‌شمولی را از فرآیند بی‌تعهد شدگی برمی‌شمارند. پدیده بی‌تعهد شدگی در ابتدا از آن جهت دو جانبه است که نوعی جدایی توافقی



را به همراه دارد که هر دو طرف را راضی می‌کند و هم فرد در حال پیر شدن و هم جامعه می‌توانند آغازگر آن باشند، از سویی فرد سالخورده که توانایی‌هایش رو به تقلیل است بیش از پیش به خود توجه می‌کند و از لحاظ هیجانی از دنیا می‌کند، از دیگر سو، جامعه نقش‌های اجتماعی‌ای را که به او داده بود، از او پس می‌گیرد. بی‌تعهد شدگی از طرف دیگر کارکردی است. در واقع بی‌تعهد شدگی پاسخگوی الزامی مضاعف از لحاظ اجتماعی است، از سویی بی‌تعهد شدگی افرادی که سن بیشتری دارند، تجدید نسل‌ها در دنیای کار را امکان‌پذیر می‌کند و به جوان‌ترهایی که دانش روزآمدتری دارند اجازه می‌دهد تا مشاغل با مسئولیت را اشغال کنند. از دیگر سو، جامعه از این طریق با آشفتگی در فعالیت‌های مهم که ممکن است در پی فوت افرادی که مشاغل مهم را بر عهده دارند ایجاد شود، مقابله می‌کند. از طرف دیگر بی‌تعهد شدگی با یک الزام روان‌شناختی مرتبط است، یعنی الزام روبه‌رو شدن با مرگ، یعنی لحظه‌ای فرا می‌رسد که فرد درمی‌یابد که میراست و به همین دلیل از ارزش‌های مربوط به موفقیت‌های فردی رویگردان می‌شود. بی‌تعهد شدگی همچنین فرآیندی است برگشت‌ناپذیر که از پویایی خودش تغذیه می‌کند. وقتی تماس‌های اجتماعی کمتر می‌شود، قابلیت فرد در تعاملات اجتماعی کاهش می‌یابد. به محض اینکه گوشه‌گیری شروع شود، ایجاد تماس‌های تازه ممکن است مشکل‌تر شود. این امر که فرد نداند در موفقیت‌های غیرمعمول چگونه رفتار کند، کاری می‌کند که فرد نخواهد در چنین موقعیت‌هایی قرار گیرد و این مشکل ممکن است فرآیند بی‌تعهد شدگی را سرعت ببخشد. همزمان فشار هنجارها هم کم می‌شود، جامعه سلطه کمتری بر فرد دارد و فرد هم در رفتارهایش آزادی عمل بیشتری دارد. سرانجام بی‌تعهد شدگی امری است همه‌گیر و جهان‌شمول، هرچند بسته به جنس و یا فرهنگ فرد، اشکال متنوعی دارد. البته کامینگز و هنری به مسئله تنوع فرهنگی نمی‌پردازند، چون نمونه مورد مطالعه شان به لحاظ فرهنگی یک دست بوده است. (کارادک، ۱۳۹۱)

نخست چنین به نظر می‌رسید که فرآیند عدم تعهد متقابل، چه برای فرد و چه برای جامعه، مزایایی دارد، ولی این نظریه پس از چند سال پژوهش تغییر یافت و تنوع سبک زندگی فردی سالخوردگان را منعکس ساخت. فرمول‌بندی‌های بعدی بیشتر روی تفاوت‌های فردی در سازگاری با پیری تأکید کرد و آن را رفته رفته به جای مفهوم گرایش کلی به سوی عدم تعهد قرار داد. با وجود این اختلاف نظر همچنان بر سر این مسئله باقی است که آیا عدم تعهد رایج است و آیا برای اشخاص ذی‌نفع سودی دارد یا خیر. بدون تردید، حقیقت این است که شخصی که به تدریج به حال خود رها می‌شود، هر اندازه این موقعیت را بهتر بپذیرد به همان اندازه بهتر با آن سازگار خواهد شد. برخی گمان می‌کنند که خود سالخوردگان فرآیند عدم تعهد را شروع می‌کنند، برخی دیگر برعکس، معتقدند که این جامعه است که به تدریج پیران را وادار می‌کند تا خود را از زندگی فعال کنار بکشند (میشارا و رایدل، ۱۳۷۱، ص ۶۶).

بنابر نظریه عدم تعهد این موضوع وجود دارد که فرد با وارد شدن به سن سالخوردگی و همراه با بازنشستگی اولین پیام‌های عدم تعهد را دریافت می‌کند. او از اشتغال‌های هر روزه که داشته به مرور جدا می‌شود و این اتفاقی است که جامعه برای او رقم زده و کم‌توان شدن جسم او نیز آن را تأیید می‌کند. اما متأسفانه سالخورده این وضعیت را به بقیه فعالیت‌هایش نیز تعمیم می‌دهد و فعالیت‌های اجتماعی خود را نیز کم می‌کند. اگر

خانواده و اجتماع نیز با او طوری رفتار کنند که انتظارشان بیشتر از یک سالخوردگی که دیگر کاری از او بر نمی‌آید باشد، او نیز این تمایل را نشان می‌دهد که از اجتماع و زندگی فعال کناره‌گیری کند. در نتیجه دو طرفه بودن عدم تعهد سالخورده و اجتماع را روشن می‌کند.

### ۲-۳-۲- نظریه فعالیت

نظریه فعالیت، توسط هوینگ هرست بیان شده است. وی عقیده دارد که «فعالیت، سلامتی را در پیری افزایش می‌دهد» بنابراین بزرگسالانی که فعال می‌مانند در فعالیت‌ها تشویق شده و جایگاه‌ها، روابط، سرگرمی‌ها و علایق جدیدی را به دست می‌آورند و با احساس رضایت و آرامش پیر می‌شوند. زندگی رضایت‌آمیز در سالخوردگی شامل شیوه تأمین زندگی فعال در میان‌سالی است. یک بزرگسال نمونه، بزرگسالی است فعال، که ارتباطات اجتماعی خود را حفظ کرده و با فعالیت‌های جمعی، مسافرت‌ها و داشتن سرگرمی‌ها مشغول است (عامری و همکاران، ۱۳۸۱).

نظریه فعالیت، نخست به منظور رفع نقایص نظریه عدم تعهد فراهم آمد. هدف این نظریه مورد توجه قرار دادن مسائل اجتماعی و علل دقیقی است که در عدم سازگاری اشخاص مسن سهیم هستند. اگرچه برخی نقش‌ها از سالخوردگان سلب شده، نقش‌هایی که برای آنان باقی مانده به روشنی تعریف نشده است. ابهامی که از این امر ناشی می‌شود فرد را به حالت «بی‌نظمی طبیعی» می‌کشاند. فرد، دیگر نه هدفی دارد و نه هویتی. بنابراین نظریه فعالیت - اگر نقش‌های جدیدی جانشین نقش‌های قدیمی نشود - این بی‌نظمی دائمی خواهد شد و فرد نه تنها با موقعیت بلکه با خودش نیز ناسازگار و بیگانه خواهد بود (میشارا و رایدل، ۱۳۷۱، ص ۶۶).

بنابر نظریه فعالیت، پیری موفقیت‌آمیز ایجاب می‌کند که نقش‌های تازه‌ای کشف شود یا برای حفظ نقش‌های قدیم، وسایل تازه‌ای به وجود آید. برای اینکه این آرمان تحقق یابد، لازم خواهد شد که در آینده ارزش سن را بازنسایش و سالخوردگان را عهده‌دار نقش‌های جدیدی کنیم. نقش‌هایی که از نظر اجتماع ارزشمند است (میشارا و رایدل، ۱۳۷۱، ص ۶۷).

هرچند نظریه فعالیت در سال‌های ۱۹۶۰ توسعه یافته و در تقابل با نظریه بی‌تعهدشدگی به دقت بیان شد اما نخستین بیان آن به آغاز دهه ۱۹۵۰ برمی‌گردد. رابرت هاوی گورست و روت آلبرشت با تکیه بر پژوهشی که بر نمونه ۱۰۰ نفره از سالخوردگان ساکن شهری کوچک واقع در میدان وست انجام شد، متوجه دو نکته شدند: یکی اینکه این سالخوردگان کم و بیش احساس رضایت می‌کردند و دیگر اینکه این احساس رضایت با تغییر سن و موقعیت اجتماعی، چندان تغییر نمی‌کند، اما رابطه تنگاتنگی با «امتیازات فعالیت» محاسبه شده توسط نویسندگان دارند. به این ترتیب، با نظر هاوی گورست و آلبرشت، پیرشدگی توأم با موفقیت و احساس رضایت در گرو داشتن اراده است، اراده‌ای برای حفظ سطحی بالا در تعهدات، یعنی فرد سالخورده باید قادر باشد به جبران از دست دادن برخی از نقش‌های پیشین، برخی دیگر از نقش‌های خود را تقویت کند، مثل نقش شهروندی یا حتی قبول نقش‌های جدید مثل نقش پدربزرگ یا مادر بزرگ. اگر فرد بتواند قابلیت خود در پذیرش «انعطاف‌پذیری» نقش‌ها را حذف کند، بهتر و راحت‌تر می‌تواند خود را با شرایط جدید وفق دهد (کارادک، ۱۳۹۱، ص ۱۲۳).